

فهرست مطالب

۷

۹

...
فداده از این فرهنگ ...

۱۱

۵۳

۸۵

۱۵۵

۱۸۹

۲۰۹

۲۴۱

۲۶۹

۲۸۹

۳۰۷

۳۱۱

۳۲۱

۳۴۱

N

O

P

Q

R

S

T

U

V

W

X

Y

Z

منابع و مأخذ خارجی

منابع و مأخذ فارسی

Shiraz-Beethoven.ir

B

B si ، هفتمین نت از گام دو دیاتونیک در نام گذاری
ر کشورهای آمریکا و انگلستان که معادل سی بمل در نت نویسی
ست.

Babillage (F) سر به هوا، سرزنده و اهل کیف.

Baborak ی اهالی بوهم.

Bacchanale مستانه، ترانه های باده گساری،
وابسته به «باکوس» الهه باده پرستی.

Bachelor of Music بیسانس موسیقی.

Bach trumpet ترومپت به نام «کلارینو»
نخستین بار باخ و هندل آن را در ارکستر وارد کردند.

Backfall ل « appoggiatura » در سده هفدهم.

Badinage (F) ی، یک نوع موسیقی همراه با حرکات
ونه و شاد.

Badinerje (I), Badinage (F) هیجدهم موومان

یا سریع تر شدن ارتعاش حاصله از سیم ها در گیتار و عود انجام
(جهت تولید اصوات زیرتر).

Cappella (I) دگان کلیسا یا یک محفل خصوصی، ارکستر.

Capriccietto (I) یچیوی ساده،

ی کوتاه بدون فرم مشخص.

Capriccio (I) , Caprice (F) ، یک قطعه با نشاط و آزاد.

وانی که توسط چند تن از مصنفین قرن نوزدهم، و در میان آن ها
و برامس برای آن قطعات کوتاه پیانو به کار گرفته شده بود که
آمیخته با شوخی و در عین حال بوالهوسانه داشتند و به فرم سه تائی
" تنظیم می شدند، در عین حال این اصطلاح به قطعاتی به فرم
فانتزی نیز اطلاق شدند. ۲ - کاپریچیو در قرن هفدهم یکی از فرم
رگانه مهم پیش از ابداع فوگ بود.» منصورى، پرویز - چگونه از
ذات ببریم - تهران ۱۳۶۵.

Capricciosamente (I), capricieusement (F), Capriccioso (I)

ننی و تجملی، بوالهوس، ذوقی.

Carcelera (S) ئی که به توصیف صحنه های یک

پردازند.

Carezza (I) رمی، آرامی، آهستگی.

Caressant (F), Carezzando, carezzevole (I)

ی لطیف، حساس و نوازش گر، اجرائی سرشار از زیبائی و شیرینی.

Cor des Alpes (F) بوق چوبی که چوپانان سوئیس برای صدا زدن استفاده می کنند.

Cor de Basset (F) ، باس کلارینت، به « Bass » نگاه کنید.

Cor de chasse (F) یک نوع شیپور ساده بدون پیستون.

Corista شاخه که از آن برای کوک ابزار استفاده می کنند.

Cornamusa(I), Cornemuse (F), Corne(F) غنون،

نوعی ساز بادی بنام کرنموز که شباهت به نی انبان دارد.

Cornet(E) , Cornet à pistons (F), Cornetto (I), Kornett

ساز بادی مسی شبیه ترومپت ولی از آن کوتاه تر و در عین حال

خروطی تر از آن. مانند ترومپت دارای سه کلید سوپاپ مانند

کرنت، نسبت به ترومپت به چالاکتی بیشتری نیاز دارد.»

ویز - چگونه از موسیقی لذت ببریم - تهران ۱۳۶۵



Cornet

کرنت

False cadence هم گسیخته.

False relation نت هم نام با اختلاف نیم پرده

ک در دو بخش مختلف از دو آکورد پیوسته، پیوند غلط در
« منصورى، پرویز - هارمونی تحلیلی.

Falsetto (I-E), falsett (G), fausett (F)

ر طبیعی مردان، مردی که صدای غیر طبیعی و خیلی بالائی دارد،
ک، صدای زیر.

Falstaff سه پرده از ساخته های ژوزف وردی (۱۸۹۳)

Fa majeur (F)

Fa mineur (F)


Fancy « Fantaisie » نگاه کنید.

Fandango (I) یک نوع رقص اسپانیولی با وزن 3/4 یا 3/8

یقی گیتار و کاستانیت اجرا میشود. در این رقص روی ضربات دوم
تاء کید بیشتری صورت می گیرد. این رقص از قرن هفدهم شناخته
هر نقطه‌ای از خاک اسپانیا به نوعی ازین رقص بر می‌خوریم که نام
را به خود گرفته‌اند.

Fanfare (E-F) , fanfara (I), tusch (G)

ک نوع موسیقی ویژه شکار که با ترومپت نواخته می شود. فانفار
قطعاتی که توسط دستجات موسیقی نظامی اجرا می شود اطلاق می
د از به وجود آمدن گارد جمهوری در فرانسه عموم مردم جهان به

- Gioloso (I)** سرور، شاد، خرم، فرح انگیز.
- Gioja (I)** ف.
- Giojoso (I)** خوش قلب، دوستانه.
- Giovale (I)** بز، سبک روح، خوش گذران، اهل کیف.
- Giraffe** بیانو ابتدائی و اولیه، هارپسیکورد.
- Giro (I)**  (Turn) علامت قلاب بالا.
- Gis (G)** $\text{sol} \#$ در نت نویسی آلمانی.
- Gis dur (G)** ژور در نت نویسی آلمانی.
- Gisis (G)** بز ($\text{sol} \times$) در نت نویسی آلمانی.
- Gis moll (G)** نور در نت نویسی آلمانی.
- Gitana (I), gitano** قص اسپانیولی.
- Githare - en - terre (F)** به « Ground - zither ».
- Gittern (G)** می گیتار که در گذشته رایج بوده است.
- Giu (I)**
- Giubiloso (I)** شاط انگیز.
- Giulivamente (I)** به شادی، به فراوانی، به زیادی.
- Giulivo (I)** شاد، مسرور، فراوان، زیاد.
- Giuocando (I)** می، با شوخی، با لودگی.
- Giuocososo (I)** سر به هوائی، شوخ و سرزنده.
- Giustizia (I)** ح، صراحت.

- Invettivando (I)** همین کردن، مثل دشنام دادن.
- Invettivo (I)** آمیز.
- Invocazione (I)** روان، دعا گو.
- Iodeln** « jodel » نگاه کنید.
- Ionian mode** ، یکی از مدهای قدیمی یونانی، یکی از مدهای سطائی کلیسا، این مد با گام ماژور کنونی مطابقت داشته است.
- Ipocondria (I)** با، اندوه، غم، گرفتگی، حزن.
- Ipocondriaco (I)** ن، محزون، دلشکسته، پرملال.
- Ira (I)** ر، درشتی، هیجان، شدت.
- Iracondamente (I)** ضب، خشونت، برآشفتگی.
- Irato (I)** آوردن، به هیجان آوردن، تحریک کردن، تند خو.
- Irlandais (F)** ایرلندی رقصیدن.
- Ironia (I)** مسخره کردن، ریشخند.
- Ironicamente** ن، طعنه آمیز.
- Ironico (I)** ز، ریشخند آمیز.
- Iroso (I)** ند، خشم آور، تندخو، هیجان آور.
- Irregular times** های مختلط یا لنگ. میزان هائی که
- ع دو یا چند میزان نامساوی تشکیل شده‌اند مانند میزان های 5/4
- 2 و غیره.» پورتراب، مصطفی - تئوری موسیقی.
- Irrequieto (I)** حرکت دادن، تحریک کردن.

Natural keys

ای طبیعی و ساده که فاقد هر گونه علامات ترکیبی (دیز و بمل) سند مانند گام‌های دو ماژور و لا مینور.

گام دو ماژور



گام لا مینور



Naturhorn (G)

ار، بوق،

بتدائی و ساده.

Neapolitan sixth

سکست ناپولیتن (6N)، آکوری که از سوم کوچک و ششم فوقانی درجه چهارم گام تشکیل شده باشد.

Nebbioso (I)

مبهم، غیر صریح.

Nebennote (G)

زری،

ع نت زینت، «در طول زمانی آکورد ممکن است یکی از نت‌ها به متصل (و بیشتر به سوی پائین) حرکت کرده و دوباره به جای اصلی، این شکل یا نت پائینی را نت برودری گویند. نام دیگر آن نت جانبی است.» منصور، پرویز - هارمونی تحلیلی.

Nebulosita (I)

عدم وضوح، روشنی، ابهام.

ت اولیه سونات را، درانتهای آن موومان، "راکسپوزیسیون" می‌نامند که ری از اکسپوزیسیون است با مقداری تغییر (و غالباً خلاصه شده). مقدار بر "راکسپوزیسیون" نسبت به "اکسپوزیسیون" در دوره‌های تاریخ یقی مختلف است، مثلاً در سونات‌های کلاسیک (و ماقبل کلاسیک) تغییر تقریباً نامحسوس بود؛ در سونات‌های دوران کلاسیک، در انتهای سمت و نیز در تنالیتۀ آنها تغییری حاصل می‌شد و در دوران رومانیتیک تغییر شامل عوامل بیشتری می‌گشت. «منصوری، پرویز- چگونه از یقی لذت ببریم.

Recessional

های مذهبی و ذکر مناجات پس از خاتمه مراسم نماز در کلیسا که گروه دگان و دیگر خادمین کلیسا حضور ندارند.

Rechts (G)

، طرف راست.

Récit (F)

تیف؛ بخش محسوس یک قطعه که شروع سوژه یا تم را خبر می‌دهد.

Recital

ل. «اجرای برنامه در جلوی پوبلیک توسط سلیست (تکنواز یا تکسرا). از که تکنواز و تکسرا در اجرای برنامه خویش، آن را قبلاً از بر کرده است، برنامه را. رسیتال "از مصدر "رسیتاره" لاتینی به معنی حفظ کردن.» منصوری، پرویز چگونه از موسیقی لذت ببریم.

Recitative (E) , récitatif (F) , recitativo (I)